

## معیارهای محدودیت آزادی اجتماعها در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر

سید طه موسوی میرکلائی\* سید صادق امین حسینی\*\*

### چکیده

آزادی اجتماعها به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. آورده‌های محاکم بین‌المللی حقوق بشر نیز به عنوان رویه قضایی مکمل اسناد بین‌المللی در این زمینه بوده است. در میان محاکم بین‌المللی جهانی، دادگاهی با صلاحیت خاص حقوق بشر تأسیس نشده است. با این وجود محاکم بین‌المللی منطقه‌ای، رویه‌هایی در حوزه آزادی اجتماعها از خود به جای گذاشته‌اند. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی در پی آن است که معیارهای محدودیت آزادی اجتماعها را در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر مورد بررسی قرار دهد. فرضیه مقاله پیش رو آن است که رویه قضایی دیوان اروپایی، با احراز معیارهایی علاوه بر معیارهای مندرج در ماده ۱۱ کنوانسیون، حداقل محدودیتها بر آزادی اجتماعها را از سوی دولت‌ها پذیرفته است. مقاله پس از ارزیابی رویه این مرجع قضایی، به این نتیجه نائل می‌آید که نخست، ملاحظات امنیت ملی در شرایط استثنایی می‌تواند محدودکننده آزادی اجتماعها باشد؛ دوم، آزادی اجتماعها بر اخلاص‌های متعارف نظم عمومی مرجع است؛ سوم، آزادی اجتماعها نمی‌تواند منجر به تحدید حقوق و آزادی‌های سایر شهروندان (مگر در حد متعارف) شود؛ چهارم، دولت‌ها باید با برگزارکنندگان اجتماعها مدارا کنند.

واژگان کلیدی: آزادی اجتماعها، امنیت ملی، حقوق و آزادی‌های دیگران، دیوان اروپایی حقوق بشر، رویه قضایی، نظم عمومی.

mosavi@ujas.ac.ir

\* استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری (نویسنده مسئول)

seyydsadeghamin@gmail.com

## سرآغاز

آزادی اجتماع‌ها که به‌عنوان یکی از حقوق مسلم بشر در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است، همچنان پس از گذشت چند دهه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه حقی ناشناخته تلقی می‌شود. این حق که از جمله شاخصه‌های دموکراسی و به‌مثابه ابزاری مستقیم برای اعلام نظرات جمعی آحاد ملت است، مدخلی برای اصلاحات اجتماعی و مشارکت فعال شهروندان در دموکراسی‌های غیرمستقیم بوده و همواره پیوندی محسوس با آزادی بیان داشته است. دولت‌های در حال توسعه کمتر به تدوین سازوکار اجرایی برای تحقق این حق پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه بررسی این حق در نظام حقوقی ایران نمایانگر خلأی جدی در عرصه قانون‌گذاری است که به‌تبع آن، برگزاری تظاهرات و اجتماع‌های مسالمت‌آمیز را با محدودیت‌هایی مواجه می‌کند. محدودیت‌های مزبور ناشی از فقدان قوانین در خصوص نحوه برگزاری تجمع‌ها و راهپیمایی‌ها است.

در نظام‌های حقوق بین‌الملل منطقه‌ای از جمله در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی مبتنی بر وحدت<sup>۱</sup> که واجد قوای سه‌گانه مستقل از دول عضو بوده و تصمیم‌های آن قوا برای دول الزام‌آور است، آزادی اجتماع‌ها علاوه بر شیوه‌ها و راهکارهای اجرایی، از سازوکارهای تضمینی نیز بهره‌مند شده است. نظام حقوقی شورای اروپا<sup>۲</sup> از جمله نظام‌های حقوقی اخیر است که راهکارها و ضمانت اجراها را دوشادوش یکدیگر مورد توجه قرار می‌دهد.

هدف از پژوهش حاضر بررسی معیارهای محدودیت آزادی اجتماع‌ها و توسعه این معیارها در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر به‌عنوان یکی از محاکم بین‌المللی منطقه‌ای خاص در سطح شورای اروپا است. ارزیابی رویه دیوان مزبور از آن جهت واجد اهمیت است که با توجه به پیوستن ۴۷ کشور اروپایی و غیراروپایی به کنوانسیون

---

1. Integration  
2. Council of Europe

اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)، تمامی شکایات راجع به نحوه اجرای کنوانسیون در دولت‌های طرف معاهده - اعم از شکایات دول متعاقد علیه یکدیگر و شکایات ساکنان این دولت‌ها علیه دولت‌های متعاقد - در این دیوان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. از این رو، جدای از شاخصه‌های کلی این حق در اسناد بین‌المللی، عملکرد دولت‌های متعاقد و شیوه‌های مورد قبول دیوان در خصوص اعمال این حق و معیارهای محدودیت آن در پژوهش حاضر مورد شناسایی قرار می‌گیرد.

پرسش اساسی پژوهش حاضر آن است که آزادی اجتماع‌ها چه الزام‌ها و معیارهای محدودیتی در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر دارد؟ فرضیه این مقاله مبتنی بر آن است که آزادی اجتماع‌ها در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، از حیث معیارهای مشروع اعمال محدودیت توسعه یافته و رویه قضایی از معیارهای صریح مندرج در ماده ۱۱ کنوانسیون همچون «مقرر شده به موجب قانون» و «ضروری برای یک جامعه دموکراتیک» فراتر رفته و معیارهایی چون «دارا بودن هدف مشروع»، «متناسب بودن نوع محدودیت با هدف مشروع»، «لزوم مدارا و رواداری دولت با اجتماع‌ها» و «متعارف یا غیرمتعارف بودن اخلال» را جهت ارزیابی محدودیت‌ها به کار گرفته است.

نوآوری مقاله حاضر از آن جهت است که برای نخستین بار ضمن بررسی آرائی از دیوان اروپایی حقوق بشر در حوزه آزادی اجتماع‌ها، ادبیات حقوقی موجود به زبان فارسی در این زمینه را توسعه بخشیده و حتی‌الامکان سیر تطور آراء این مرجع قضایی در خصوص محدودیت‌های آزادی اجتماع‌ها را تحلیل حقوقی می‌کند. آثار حقوقی موجود به زبان فارسی، نه آزادی اجتماع‌ها و نه معیارهای محدودیت آن را به‌عنوان یک حق بشری مستقل در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر واکاوی نکرده‌اند. برای نمونه کتاب آزادی‌های گروهی اثر دوفار<sup>۱</sup> ترجمه علی گرجی منتشر شده در ۱۳۹۱ صرفاً به آزادی‌های گروهی از جمله آزادی اجتماع‌ها پرداخته و این مفهوم را در دکتترین و اسناد بین‌المللی بررسی کرده است؛ بدون آن‌که رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در این

1. Jean duffer, Les libertés collectives. Libertés et droits fondamentaux

خصوص را تحلیل کند. همچنین رضا اسلامی و محمد مهدی کمالوند در مقاله «چالش‌های آزادی اجتماع‌ها در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر» منتشر شده در ۱۳۹۳ صرفاً نظام حقوقی ایران را در حوزه آزادی اجتماع‌ها با حقوق بین‌الملل جهانی تطبیق کرده و حقوق بین‌الملل منطقه‌ای از جمله رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر را مورد مذاقه قرار نداده‌اند. مقاله سید محمد هاشمی و امید نوروزی با عنوان «حقوق و آزادی‌های گروهی در رویه کمیته حقوق بشر» نمونه دیگری است که آزادی‌های گروهی را به‌عنوان مفهومی اعم از آزادی اجتماع‌ها در رویه کمیته حقوق بشر به‌منزله رکن نظارتی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد بررسی قرار داده است. از این رو بررسی آزادی اجتماع‌ها و به‌ویژه محدودیت‌های آن در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، ادبیات حقوقی موجود به زبان فارسی در این خصوص را توسعه خواهد داد.

مقاله پیش رو با در پیش گرفتن روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای در دو بخش به بررسی فرضیه می‌پردازد. بخش نخست مقاله ناظر به بررسی مبادی حقوق بشری آزادی اجتماع‌ها از جمله شناسایی ویژگی‌ها، الزام‌ها و محدودیت‌های آن در اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای (به‌مثابه نظام حقوقی حاکم بر دیوان اروپایی حقوق بشر) است. در بخش دوم مقاله، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در حوزه آزادی اجتماع‌ها با تأکید بر معیارهای محدودیت این حق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۱. درآمدی بر حق بر تشکیل آزادانه اجتماع‌های مسالمت‌آمیز

حق بر تشکیل آزادانه اجتماع‌های مسالمت‌آمیز<sup>۱</sup> (از این پس آزادی اجتماع‌ها) از شاخه‌های حق مشارکت سیاسی است که وصفی سیاسی - مدنی دارد. مشارکت سیاسی از بنیان‌های ضروری جوامع دموکراتیک و جلوه‌ای از حق انسان بر تعیین سرنوشت

1. The Right to Freedom of Peaceful Assembly

خویش است. آزادی اجتماعها با بسیاری از حقوق فردی ارتباطی ناگسستنی داشته و چه بسا بسیاری از حقوق فردی به سبب عدم امکان اعتراض نسبت به آن تزییع شده تلقی شوند؛ تا جایی که جلوگیری از تحقق و بروز این حق، ممکن است زمینه ایجاد شورش و برون‌ریزی‌های اغتشاش‌آمیز در سطح جامعه سیاسی و تهدید ساختارهای حقوق عمومی را فراهم آورد (دوفار، ۱۳۹۱: ۳۶).

از سوی دیگر، آدمی به‌عنوان موجودی کمال‌گرا میل به آزادی دارد. آزادی به‌عنوان یک اصل، مطلق نیست. بی‌گمان آزادی از والاترین ارزش‌ها است؛ با این وجود، در هم‌زیستی با سایر ارزش‌ها معنای محدودتری یافته و رنگ اجتماعی به خود می‌گیرد. آزادی مطلق بالاترین درجه آزادی است، اما آزادی محدود و مقید به ضرورت‌های متعارف نیز تا جایی که انتخاب آزاد و حکومت اراده را از انسان نگرفته، باز هم آزادی و ارزش است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۹۷-۳۹۸). چنین انسانی علاوه بر بهره‌مندی از حقوق واجد تکالیفی نیز هست و برآیند این دو است که مشارکت وی در حقوق عمومی را رقم می‌زند. بر این مبنا آزادی اجتماعها قلمرو محدودتری داشته و عدم حق اعتراض لزوماً منجر به تزییع حقوق نمی‌شود. از سوی دیگر، آزادی اجتماعها حقی جمعی است که نمی‌تواند به‌صورت فردی به منصفه ظهور رسد. درست به همین دلیل است که آزادی اجتماعها در دسته‌ی آزادی‌های گروهی قرار می‌گیرد. همچنین آزادی اجتماعها و آزادی بیان غیرقابل انفکاک هستند، زیرا در طول برگزاری تجمعها، لاجرم اطلاعات و اندیشه‌هایی مطرح می‌شوند (دوفار، ۱۳۹۱: ۳۶). آنچه متفاوت خواهد بود، گستره آزادی اجتماعها و آزادی بیان است، نه ارتباط غیرقابل انکار آن دو با یکدیگر.

با مقدمات فوق‌الذکر، آزادی اجتماعها را می‌توان به تجمع گروهی موقت و هماهنگ اطلاق کرد که در مکانی معین برای اعلام مواضع یا تبادل نظرها و عقاید مشترک خود گرد آمده‌اند. در ادبیات حقوقی - سیاسی، تظاهرات دارای معنای مضیق‌تری بوده و عبارت است از ابراز نیت‌ها، اندیشه‌ها و مطالبات از طریق راهپیمایی دسته‌جمعی (دوفار، ۱۳۹۱: ۲۷). در آزادی اجتماعها، افراد گاه با حضور در معابر عمومی،

خواسته‌های خویش را با هدف جلب افکار عمومی به نمایش می‌گذارند (هاشمی، ۱۳۸۸: ۲۴۴) و گاه به منظور تبادل دیدگاه‌ها و عقاید مشترک و یا دفاع از منافع مشترک مجتمعی، اجتماع‌ها شکل می‌گیرد (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

همچنین نمود اعتراض‌ها و اجتماع‌ها، گاه تبعاتی منفی برای حاکمیت‌ها در بردارد. از همین رو، در دولت‌هایی که آستانه احترام به آزادی‌های جمعی یا برخی دیگر از آزادی‌های سیاسی پایین‌تر است، این قسم اعتراض‌ها و تجمع‌ها بیش از آن که حقی سیاسی به شمار روند، در قالب عناوینی از قبیل شورش، اخلال در نظم عمومی و گاه اغتشاش دسته‌بندی می‌شوند.

#### ۱-۱. ویژگی‌های حق بر تشکیل آزادانه اجتماع‌ها

تبیین ویژگی‌های آزادی اجتماع‌ها علاوه بر آن‌که باعث تمایز اجتماع‌های تشکیل‌شده بر اساس این حق از سایر اجتماع‌های تشکیل‌شده در عرصه عمومی می‌شود، اقتضائاتی را نیز به همراه خواهد داشت که روشنگر مسیر اعمال آزادانه اجتماع‌ها برای طرفین آن یعنی گروه‌های مردمی و حکومت خواهد بود.

نخستین ویژگی این حق، تكثر مشارکت‌کنندگان است. این ویژگی در راستای جمعی بودن آزادی اجتماع‌ها مطرح شده است. هدف از این‌گونه اجتماع‌ها بیان عقاید و موضع‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی گروهی از افراد است، لذا وجود جمعیتی از افراد برای شکل گرفتن اجتماعی هرچند کوچک، لازم است. در غیر این صورت، اعتراض صورت‌گرفته را باید در قالبی دیگر مانند آزادی بیان دسته‌بندی کرد. تكثر مشارکت‌کنندگان نشان از عمومی بودن آن دارد؛ به این معنا که هر یک از اعضای جامعه بتواند بدون اجازه قبلی و هر محدودیت دیگر به اجتماع‌هایی بپیوندد؛ برخلاف انجمن‌ها و احزاب که نیاز به اخذ مجوز و طی مراحل اداری دارند (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

ویژگی دوم این حق، موقتی بودن است. اجتماع موضوع این حق باید به‌طور موقت و غیردائمی تشکیل شود. این ویژگی وجه تمایز اجتماع‌های تشکیل‌شده به‌موجب

آزادی اجتماعها از سایر نهادهای اجتماعی و سیاسی مانند احزاب و انجمنها و مجامع است. در اجتماعها موضوع این حق، افراد پس از گردهمایی و ارائه نظریات و بیان اعتراضات خود پراکنده می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۹۰).

ویژگی سوم این حق *دارا بودن هدفی خاص و مشترک* است. نمی‌توان هرگونه اجتماعی را مشمول این آزادی دانست، زیرا **حق بر تشکیل آزادانه اجتماعها** شامل آن دسته از اجتماعهایی است که افراد برای تبادل نظر، کسب اطلاعات و اعلام اعتراض خود ترتیب می‌دهند و مشارکت‌کنندگان برای هدف واحدی گرد هم می‌آیند. این ویژگی، وجه تمایز این اجتماعها از سایر اجتماعهای اتفاقی مانند جمع‌های داخل کافه، تجمع‌های خیابانی بی‌هدف یا اتفاقی است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۹۱).

ویژگی چهارم این حق، *سازمان‌یافته بودن* است. اصولاً اجتماعهای مبتنی بر حق بر تشکیل آزادانه اجتماعها دارای بنیان و برپاکنندگانی است که ترتیبات اجرایی آن را فراهم کرده و در برابر مقام‌های اداری مسئولیت پاسخ‌گویی در مورد اقدام‌های انجام‌شده و اتفاق‌های رخ داده را بر عهده دارند (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

با توجه به ویژگی‌های پیش‌گفته، تمایز اجتماعهای مورد بحث از سایر گردهمایی‌ها مشخص می‌شود. بر این اساس، آزادی اجتماعها را نمی‌توان منحصر در تظاهرات تلقی کرد. برخلاف تظاهرات که در معابر عمومی انجام می‌شود، سایر اجتماعها معمولاً در یک مکان عمومی یا خصوصی غیر از معابر (مانند سالن‌های آمفی تئاتر یا پارک‌ها) صورت می‌گیرد.

## ۱-۲. الزامها و محدودیت‌های آزادی اجتماعها

آزادی اجتماعها متضمن الزامها و محدودیت‌هایی برای دولت‌ها از یک سو و برای افراد از سوی دیگر است. از جمله الزام‌های آزادی اجتماعها برای دولت‌ها به رسمیت شناختن این حق است. دولت‌ها در راستای صیانت از آزادی‌های مقرر در اسناد جهانی حقوق بشر باید از یک سو، کمترین دخالت را در اعمال این حق از سوی شهروندان به

عمل آورند و از سوی دیگر، ضمن حفظ امنیت ملی، نظم عمومی و عدم تعرض به حقوق و آزادی‌های دیگران، صیانت از ساختار کشور را مدنظر قرار دهند. این دو تعهد متقابل دولت‌ها، همواره سبب بروز مواجهه‌هایی میان آزادی اجتماع‌ها و ضرورت حفظ مصالح عمومی می‌شود. از این‌رو، شناخت الزام‌ها و محدودیت‌های آزادی اجتماع‌ها و تحدید حدود دامنه آن به موجب قوانین و اقتضائات حقوق عمومی ضروری است.

نخستین محدودیت این حق، امنیت ملی (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۶) است. امنیت ملی اشاره به فقدان هرگونه خطر تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله دارد (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۸). از نظر آستین رنی<sup>۱</sup>، اغلب شهروندان برای آزادی و امنیت ارزش قائل هستند؛ اگرچه این دو پیوسته در تعارض با یکدیگرند. دولت هر اقدامی برای پیشبرد یکی از آن‌ها کند، ممکن است به دیگری آسیب رساند (روزبهان، ۱۳۹۴: ۱۱۹). در حوزه آزادی اجتماع‌ها، تفسیری بسیار مضیق از امنیت ملی باید مدنظر قرار گیرد؛ به این ترتیب که تنها آن دسته از اجتماع‌هایی که باعث ایجاد خطر ممکن‌الوقوع در خصوص از دست دادن بخشی از سرزمین، جمعیت و تمامیت ارضی یا تهدید آن‌ها شود، می‌تواند محدود شود.

دومین محدودیت آزادی اجتماع‌ها، نظم عمومی<sup>۲</sup> است. نظم عمومی مجموعه قواعد و اصول بنیادینی است که جامعه بر پایه آن بنا نهاده می‌شود؛ دسته‌ای از قواعد آمره است که کل نظام حقوقی بر آن‌ها مبتنی است و هیچ شخص یا مقامی حق تخطی از آن را ندارد (گرچی، ۱۳۸۸: ۱۰۴). ویژگی‌های نظم عمومی از جمله مکانی و زمانی بودن، سیالیت و عدم برخورداری از حدود و ثغور معین، امکان سوءاستفاده از آن را همواره فراهم کرده و این مفهوم را در معرض تفاسیر موسع و مضیق مقام‌های دولتی قرار داده است. نظم عمومی در مفهوم موسع، علاوه بر انضباط شهری، رعایت حقوق سایر شهروندان و مسائل امنیتی، حتی مسائل اخلاقی و آن دسته از مفاهیمی که مغایر با عرف

1. Ranney, Austin (1920-2006)

2. Public Order



رایج زمانه است را نیز شامل می‌شود. با این وجود، ارائه خوانشی مضیق از آن در جوامع دموکراتیک ضروری و همسو با حقوق ملت تلقی می‌شود. نظم عمومی در مفهوم مضیق، صرفاً شامل قواعد آمره حقوق داخلی است و از بسط آن به عوامل اخلاقی و دینی خودداری شده است.

سومین محدودیت آزادی اجتماعها، اخلاق عمومی<sup>۱</sup> است. اخلاق عمومی حاوی ارزش‌های پذیرفته‌شده در یک جامعه است، آن‌گونه که در رسوم و عادات و رفتار نمود می‌یابد (رهایی، ۱۳۸۹: ۴۴۳). در این خوانش از اخلاق عمومی، نوعی نسبت نهفته است که از ویژگی‌های اخلاق سکولار است. چنین اخلاقی به‌جای ابتناء بر فطرت انسان‌ها، بر عرف جوامع متکی است. نتیجه آن‌که اصول اخلاقی تغییرناپذیر در گذر تاریخ رنگ باخته و به تبع تغییرات کلی در روح تاریخی مردم یک سرزمین، اخلاق آنان نیز دچار دگرگونی<sup>۲</sup> می‌شود (رنجی الماسی، ۱۳۹۸: ۲۲-۲۳). در خوانشی دیگر اصول اخلاقی ثابت مطرح می‌شود که در اندیشه کانت نیز مورد تأکید است. از دیدگاه او، عقل مشترک بشری ضرورت وجود اخلاقی کلی و قابل فهم برای همه انسان‌ها را ایجاب می‌کند (کورنر، ۱۳۹۴: ۳۷). بحث از ثبات اخلاق در میان برخی اندیشمندان مسلمان نیز مطرح شده است. ایشان با تفکیک اخلاق از آداب، ملاحظات فطرت انسانی را از اقتضائات

## 1. Public Morality

۲. نسبی‌گرایان را عقیده بر آن است که پایه و مبنای اخلاق، حسن و قبح یا زشتی و زیبایی است و از آنجا که حسن و قبح جزء مفاهیم نسبی است، اخلاق نیز نسبی است؛ اما هر دو مقدمه فوق نادرست است. این ادعا که اخلاق مبتنی بر حسن و قبح است، یک اندیشه یونانی و متعلق به سقراط است که میان برخی علمای اسلامی نیز رسوخ کرده است. مکتب اخلاقی سقراط یک مکتب عقلی است، زیرا به عقیده او اخلاق خوب کارهایی است که عقل آن‌ها را زیبا می‌داند و اخلاق بد افعالی است که عقل آن‌ها را ناپسند و زشت می‌شمارد. لکن این اندیشه محل اشکال است، زیرا معنای اخلاق، نظام دادن به غرایز و قوای روحی است، همان‌گونه که پزشکی نظام دادن به قوای جسمی است. آن‌گونه که مبنای پزشکی نمی‌تواند حسن و قبح عقلی باشد، پایه اخلاق نیز نباید زشتی و زیبایی عقلی باشد. مقدمه دوم که زشتی و زیبایی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متغیر است، نیز به‌طور مطلق درست نیست. اصول زیبایی‌های عقلی و زشتی‌های عقلی ثابت بوده، ولی فروغشان متغیر است. وقتی معنای اخلاق این باشد که جنبه‌های انسانی وجود انسان، مخصوصاً عقل و اراده را باید تا جایی تربیت کرد که سایر قوا تحت سیطره‌اش باشند، دیگر نمی‌توان گفت که اخلاق در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است (مظهری، ۱۳۸۸: ۲۱۰-۲۱۳).

عرف جوامع متمایز کرده‌اند. در این تفکیک، اخلاق مربوط به خود انسان و به معنای نظام دادن به غرایز تحت حکومت عقل است. در این نظام‌دهی هم باید حق روح ادا شود و هم حق جسم. این سهمیه‌بندی در تمام زمان‌ها ثابت است، زیرا فطرت انسان در همه زمان‌ها واحد است؛ اما آداب مربوط به امور اکتسابی یا فنون است که شامل هنر و صنعت می‌شود و در نتیجه در زمان‌های مختلف متفاوت است (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۶۵-۱۶۸).

اگرچه در خوانش دوم، اخلاق وصف جهان‌شمول می‌یابد، اما نباید از نظر دور داشت که اخلاق عمومی مورد نظر در آزادی اجتماع‌ها تا آنجا که با نظم عمومی جامعه وحدت قلمرو دارد، متأثر از نسبییت حاکم بر نظم عمومی بوده و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متغیر است. این حوزه از اخلاق، همان قلمروی است که نظریه‌پردازان مسلمان از آن به‌عنوان آداب یاد کردند. حوزه مزبور بیش از بنیان‌های عقلانی جهان‌شمول، منبعث از ارزش‌های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی افراد است. از این رو اخلاق عمومی به‌عنوان یکی از محدودیت‌های آزادی اجتماع‌ها، از مرزهای فلسفی فراتر رفته و درگیر مباحث جامعه‌شناسانه و عرف می‌شود.

چهارمین محدودیت آزادی اجتماع‌ها، *حقوق و آزادی‌های دیگران* است. در صورتی که آزادی اجتماع‌ها موجب تضییع حقوق و آزادی‌های سایر شهروندان شود، محدودیت‌پذیر است، زیرا خدشه به حقوق و آزادی‌های دیگران، علاوه بر تعارض با نظم عمومی، امنیت حقوقی در روابط اشخاص خصوصی را نیز مخدوش خواهد کرد.

پنجمین محدودیت آزادی اجتماع‌ها، *بهداشت عمومی* است. مبنای بهداشت عمومی حق سلامت هر یک از افراد در جامعه است که تعهداتی را متوجه دولت می‌کند. اعمال محدودیت از حیث حفظ و تأمین بهداشت عمومی، نتیجه چنین تعهدی برای دولت‌ها است که در مواجهه با آزادی اجتماع‌ها در مرتبه والاتری قرار می‌گیرد. وضعیت کنونی شیوع ویروس کوید ۱۹، اعمال چنین محدودیت‌هایی بر آزادی اجتماع‌ها را اجتناب‌ناپذیر کرده است. با این وجود، بهداشت عمومی به‌عنوان یک محدودیت، اجتماع‌های حضوری

را به سوی اجتماعهای مجازی و برخط سوق داده است. به بیان دیگر چنین محدودیتی بیش از آنکه اجتماعها را منع کند، شیوه اعمال آن را تغییر داده است.

### ۱-۳. حق بر تشکیل آزادانه اجتماعها در اسناد بین‌المللی

نقش آزادی اجتماعها در تکوین مفهوم اجتماع و مردم زمینه‌ساز ظهور اسناد و قوانینی شد که فهم جدیدی از حقوق بشر به ارمغان آوردند. از جمله این اسناد می‌توان به مگنا کارتا<sup>۱</sup> اشاره کرد. پس از قیام بارون‌ها<sup>۲</sup> در اعتراض به وضع مالیات سنگین و تسخیر لندن توسط آنها، پادشاه حقوق اتباع خود را طی این سند به رسمیت شناخت. اهمیت اساسی این فرمان، شناسایی مفهوم «مردم»<sup>۳</sup> است که بیانگر وجود «اجتماع»<sup>۴</sup> است؛ مفهومی که حق بر آزادی اجتماعها بر مبنای آن شناسایی شده است. در تحولات بعدی، مفهوم مردم و اجتماع در اسناد بین‌المللی هویدا شد.<sup>۵</sup>

در میان اسناد بین‌المللی جهانی، برای نخستین بار ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) این حق را به رسمیت می‌شناسد. پس از آن ماده ۲۱<sup>۶</sup> میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) به‌عنوان سندی الزام‌آور، سخن از آزادی اجتماعها به

1. Magna carta
2. Barons
3. The people
4. community

۵. برای مطالعه بیشتر درباره پیشینه تاریخی این مفهوم رجوع شود به (Rohde, 2005).

۶. ماده ۲۲ اعلامیه: «هرکس حق دارد آزادانه مجامع و اجتماعهای مسالمت‌آمیز را تشکیل دهد. نمی‌توان هیچ‌کس را مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.» (Universal Declaration of Human Rights, 1948, Art. 22).

۷. ماده ۲۱ میثاق: «حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود. اعمال این حق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگر ضرورت داشته باشد»

(International Covenant on Civil and Political Rights, Adopted at 1966, Entry into Force at )

(1976, Art. 21).

میان می‌آورد. در سطح منطقه‌ای در قاره آمریکا، ماده ۱۵<sup>۱</sup> کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) و ماده ۲۱<sup>۲</sup> اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف انسان (۱۹۴۸) این حق را تبیین کرده‌اند. در نظام اروپایی حقوق بشر نیز منشور اجتماعی اروپا (۱۹۶۱) در ماده ۳۵ و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۰) در ماده ۱۱<sup>۴</sup> حق مزبور را به رسمیت شناخته‌اند.

در این میان معاهده اخیر موسوم به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به‌مثابه نظم حقوقی قابل اعمال بر دیوان اروپایی حقوق بشر در مقاله حاضر موقعیتی ممتاز دارد. ماده ۱۱ این کنوانسیون به آزادی اجتماع‌ها اختصاص دارد. بند نخست این ماده به حق هر فرد برای آزادی گردهمایی‌ها و اجتماع‌های مسالمت‌آمیز اشاره داشته و این حق را

۱. ماده ۱۵ کنوانسیون آمریکایی: «حق آزادی اجتماع‌ها مسالمت‌آمیز بدون حمل سلاح به رسمیت شناخته می‌شود. در مقام اجرای این حق هیچ محدودیتی نباید اعمال شود مگر محدودیت‌هایی که مطابق قانون بوده و در یک جامعه دموکراتیک از جهت اقتضات امنیت ملی امنیت عمومی یا نظم عمومی یا جهت حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد» (American Convention on Human Rights, Adopted at 1969, Entry into Force at 1978, Art. 15).

۲. ماده ۲۱ اعلامیه آمریکایی: «هر شخص حق اجتماع‌ها مسالمت‌آمیز با دیگران در یک نشست عمومی رسمی یا یک گردهمایی غیررسمی در ارتباط با موضوعات مربوط به منافع عمومی با هر ماهیتی را دارد» (American Declaration of the Rights and Duties of Man, 1948, Art. 21).

۳. ماده ۵ منشور اروپایی: «به‌منظور تضمین و توسعه آزادی کارگران و کارفرمایان برای تشکیل سازمان‌های محلی، ملی یا بین‌المللی جهت حمایت از منافع اقتصادی و اجتماعی‌شان و عضویت در این سازمان‌ها، طرفین متعهد می‌شوند قوانین ملی به‌گونه‌ای نباشد و یا به نحوی اعمال نشود که به چنین آزادی لطمه برساند. محدوده اعمال تضمین‌های مقرر در این ماده برای نیروی پلیس باید توسط قوانین و مقررات ملی تعیین شود» (European Social Charter, Adopted at 1961, Entry into Force at 1965, Art. 5).

۴. ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی: «۱. هرکس از آزادی تشکیل مجمع صلح‌آمیز و آزادی تشکیل انجمن با سایرین برخوردار است که حق تشکیل و مشارکت در اتحادیه‌های تجاری را به‌منظور حفظ منافع شخص شامل می‌شود. ۲. هیچ محدودیتی در تحقق این حقوق غیر از محدودیت‌های مقرر قانونی و محدودیت‌هایی که در یک جامعه‌ی مردم‌سالار در راستای حفاظت از منافع امنیت ملی یا امنیت عمومی جهت ممانعت از ایجاد هرج‌ومرج و ارتکاب جنایت، جهت حفظ سلامت یا اخلاقیات مردم یا به منظور حمایت از حقوق و آزادی‌های سایرین لازم و ضروری تشخیص داده می‌شوند، نباید اعمال شود. این ماده از تحمیل محدودیت قانونی بر سر اعمال این محدودیت‌ها توسط اعضای نیروهای مسلح، پلیس و مقامات اجرایی کشور ممانعت به عمل نمی‌آورد» (The Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Adopted at 1950, Entry into Force at 1953, Art. 11).

شامل حق تشکیل و حق پیوستن به چنین اجتماع‌هایی در راستای حمایت از منافع او می‌داند. بند دوم این ماده به اصل کلی ممنوعیت اعمال محدودیت بر این حق تصریح کرده و در ادامه مواردی از محدودیت‌ها را استثناء می‌کند. این موارد استثنایی از دو جهت است: از یک سو، حوزه‌های ممکن محدودیت همچون «امنیت ملی یا ایمنی عمومی»<sup>۱</sup>، «پیشگیری از بی‌نظمی یا جنایت»<sup>۲</sup>، «حمایت از سلامت یا اخلاق»<sup>۳</sup> و «حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران»<sup>۴</sup> مورد توجه قرار گرفته و از سوی دیگر، معیارهایی برای ارزیابی امکان محدودیت در هر یک از این حوزه‌ها ارائه می‌شود که عبارت‌اند از: «پیش‌بینی شده به‌موجب قانون»<sup>۵</sup> و «ضروری برای یک جامعه دموکراتیک»<sup>۶</sup>. علاوه بر حوزه‌ها و معیارهای مندرج در بند ۲، از بند ۱ نیز می‌توان دو قید استنباط کرد: نخست، «لزوم مسالمت‌آمیز بودن اجتماع‌ها»<sup>۷</sup> به‌مثابه محدودیتی ذاتی و دوم، «حمایت از منافع فرد»<sup>۸</sup> به‌مثابه محدودیتی غایی.

مفاد اسناد حقوق بشری پیش‌گفته متضمن تعریفی از حق بر تشکیل آزادانه اجتماع‌ها نبوده و صرفاً ناظر به شناسایی اصل حق و شرایط، محدودیت‌ها و معیارهای آن است. در وضعیت رو به تکامل حقوق بین‌الملل، رویه دادگاه‌های بین‌المللی یکی از منابعی است که در تطبیق مفاد کنوانسیون بر مصادیق، شرایط و معیارهای مشروع برای امکان محدودیت این حق را پرورش می‌دهد.

- 
1. National Security or Public Safety
  2. Prevention of Disorder or Crime
  3. Protection of Health or Morals
  4. Protection of the Rights and Freedoms of Others
  5. Prescribed by Law
  6. Necessary in a Democratic Society
  7. Peaceful Assembly
  8. Protection of his Interests

## ۲. رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص معیارهای محدودیت آزادی اجتماعها

از جمله ضمانت اجراهای آزادی اجتماعها در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۰)، تأسیس دیوان اروپایی حقوق بشر است. شکایات فردی اتباع و ساکنان دولت‌های اروپایی علیه دولت مربوطه در این مرجع قضایی قابل طرح هستند. مواردی از دعاوی مطروحه در این مرجع قضایی ناظر به ممنوعیت یا محدودیت آزادی اجتماعها در قلمرو دولت‌های اروپایی بوده است. در این بخش تعدادی از آراء دیوان راجع به نقض آزادی اجتماعها از حیث معیارهای محدودیت آن در حوزه‌های موضوعی مختلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۲-۱. نظم عمومی و امنیت ملی

به دلیل ویژگی‌های خاص نظم عمومی از جمله دایره شمول و بسط‌پذیری قابل توجه، در مواجهه دولت‌ها با اعتراض‌های مردمی، همواره احتمال بروز تعارض‌هایی میان حقوق شهروندان و حقوق عمومی وجود دارد. در این زمینه، لزوم اخذ مجوز از مقام‌های محلی به‌عنوان عاملی متداول در برگزاری اجتماعها در آراء مختلف دیوان نمود یافته است. عدم صدور بدون دلیل مجوز از جانب مقام‌های عمومی و استناد بی‌جهت ایشان به نظم عمومی و امنیت ملی در این خصوص، می‌تواند شائبه تحدید حقوق شهروندان و آزادی اجتماعها را ایجاد کند.

درباره نحوه برگزاری اجتماعها در دولت‌های اروپایی دو رویه متفاوت وجود دارد: برخی دولت‌ها برگزاری اجتماعها را نیازمند اجازه و یا اعلان قبلی نمی‌دانند؛ از جمله آلمان<sup>۱</sup> و اسپانیا<sup>۲</sup> و برخی دیگر، اجتماعها را نیازمند اعلان قبلی یا اخذ مجوز می‌دانند؛

۱. اصل هشتم قانون اساسی فدرال آلمان چنین بیان می‌دارد: «همه مردم حق دارند به طور مسالمت‌آمیز و غیرمسلح، بدون اجازه یا اعلان قبلی اجتماع کنند. در مورد اجتماعها در فضای آزاد این حق ممکن است بر طبق قانون محدود شود» (Germany's Constitution of 1949 with Amendments through 2012, Art. 8).

۲. اصل بیست و یکم قانون اساسی اسپانیا بیان می‌دارد: «تشکیل اجتماعها بدون حمل سلاح آزاد است، اجرای این قانون احتیاج به مجوز قبلی ندارد» (Spanish Constitution of 1978, Art. 21).

از جمله روسیه<sup>۱</sup>، فرانسه<sup>۲</sup>. در دولت‌های اخیر، محدودیت در صورتی اعمال می‌شود که مقام صلاحیت‌دار تشخیص دهد که تظاهرات یا اجتماع‌ها، نظم عمومی<sup>۳</sup> را مخدوش خواهد کرد.

در دعوی حسنف و دیگران علیه آذربایجان<sup>۴</sup>، تعدادی از تظاهرات‌کنندگان به دلیل حضور در یک تظاهرات بدون مجوز در آذربایجان دستگیر و به مدت ۱۰ روز بازداشت می‌شوند. از آنجا که سبب بازداشت این افراد، صرف حضور در این راهپیمایی بوده و جرم دیگری توسط آن‌ها ارتکاب نیافته است، دیوان هرچند که محدودیت استنادی دولت را به سبب قانون دانست، لکن به واسطه عدم تناسب برخورد دولت با تظاهرات‌کنندگان و صیانت از بنیان جامعه دموکراتیک که آزادی بیان و اجتماع‌ها از ملزومات آن است، حکم به نقض رأی دادگاه محلی آذربایجان صادر می‌کند و اعمال محدودیت بر اجتماع‌کنندگان را فاقد هدف مشروع تشخیص می‌دهد.<sup>۵</sup> آنچه در این حکم از اهمیت بسزایی برخوردار است، عدم محدودیت آزادی اجتماع‌ها از حیث لزوم اخذ مجوز از دولت است. علی‌رغم آن‌که آذربایجان از دولت‌هایی است که اخذ مجوز

۱. ماده ۵۴ قانون نشست‌ها، تظاهرات، راهپیمایی‌ها و حراج‌های روسیه مقرر می‌دارد: «اگر اجتماع‌ها عمومی بوده و در آن بیش از یک شرکت‌کننده حضور داشته باشد، برگزارکنندگان باید چند روز قبل به‌طور مکتوب آن را به اطلاع مقام‌های اجرایی یا مقام‌های محلی برسانند» ( Federal Law of the Russian Federation on Meetings, Rallies, Demonstrations, Marches and Pickets, Ratified at 2004, Art. 54).

۲. برگزاری اجتماع‌ها باید ۴۸ ساعت قبل به مقام‌های شهری یا پلیس محلی اطلاع داده شود. برگزارکنندگان ملزم به ارائه نام، آدرس، هدف اجتماع، زمان، مکان و ساعت آغاز و ساعت خاتمه اجتماع هستند ( French Internal Security Code, Ratified 2012, Art. 211-9). همچنین مطابق قانون مجازات فرانسه، برگزاری تظاهراتی که ممنوع اعلام شده است، مستوجب مجازات شش ماه حبس و پنجاه هزار فرانک جریمه نقدی خواهد بود ( French Penal Code, Ratified 2011, Art. 431-9).

۳. امنیت عمومی، آرامش عمومی و سلامت عمومی معیارهای سه‌گانه‌ای هستند که در رویه دادرسی اداری و آموزه‌های حقوقی، به‌عنوان نظم عمومی معرفی شده است. (گرچی، ۱۳۸۸).

4. European Court of Human Rights, CASE OF HASANOV AND OTHERS v. AZERBAIJAN (Applications nos. 39919/07 and 14 others – see appended list)

5. European Court of Human Rights, CASE OF HASANOV AND OTHERS v. AZERBAIJAN, para 25

را برای برگزاری تظاهرات لازم می‌شمارد، دیوان به سبب غیرضروری بودن محدودیت از این حیث در یک جامعه دموکراتیک (به‌عنوان معیاری مندرج در ماده ۱۱ کنوانسیون) و عدم تناسب اقدام دولت با هدف مشروع (به‌مثابه معیاری فراتر از نص ماده ۱۱)، قید اخذ مجوز را نادیده گرفته است.

مورد دیگر دعوی اويا آتامان علیه دولت ترکیه<sup>۱</sup> است. آتامان یک وکیل و عضو انجمن حقوق بشر استانبول بود. وی در ۲۲ آوریل ۲۰۰۱ برای یک راهپیمایی در میدان سلطان احمد استانبول فراخوان داد. پس از گرد هم آمدن جمعیت در حدود ساعت ۱۲ ظهر، پلیس ترکیه با استفاده از بلندگو از اجتماع‌کنندگان خواست تا به تجمع پایان داده و متفرق شوند. پلیس تصریح کرد که اقدام اجتماع‌کنندگان غیرقانونی نیست، لکن به سبب ساعت شلوغی روز، موجب برهم خوردن نظم عمومی شده است. اجتماع‌کنندگان از دستور پلیس امتناع کرده و پلیس برای متفرق کردن ایشان از گاز اشک‌آور استفاده کرد. آتامان اقدام به شکایت در محاکم داخلی ترکیه کرد و این مراجع با استناد به محدودیت‌های آزادی اجتماع‌های مقرر در ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی، اقدام پلیس را در راستای حمایت از نظم عمومی و حقوق دیگران توجیه کردند.<sup>۲</sup> پس از طرح شکایت در دیوان اروپایی، دیدگاه این مرجع قضایی آن بود که دولت نباید محدودیت‌هایی غیرمنطقی برای اجتماع‌های مسالمت‌آمیز در نظر گیرد، بلکه باید اجرای مؤثر این حق را تضمین کند و محدودیت‌های مدنظر نیز بایستی دارای ادله کافی و متناسب باشد. دیوان همچنین تأکید می‌کند که برگزاری اجتماع‌ها و راهپیمایی‌ها همواره میزان مشخصی از اخلال در نظم عمومی را ایجاد می‌کند؛ لکن این میزان متعارف نمی‌تواند مانع آزادی اجتماع‌ها یا محدودکننده آن باشد.<sup>۳</sup> در این رأی دیوان در اتخاذ تصمیم بر دو معیار تأکید می‌ورزد: عدم تناسب اقدام دولت با هدف مشروع و متعارف

1. Oya Ataman V. Turkey

2 European Court of Human Rights, Case of Oya Ataman V. Turkey, Application No. 74552/01, Judgment, 5 December 2006, Paras. 5-7.

3. Ibid, Paras. 28-37



بودن این میزان اخلال در نظم عمومی که هر دوی این معیارها فراتر از نص ماده ۱۱ کنوانسیون است.

رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد اجتماعها و تظاهرات بدون مجوز، حاکی از تفکیک دو دسته اجتماعها است:

**الف.** اجتماعها بدون مجوزی که به صورت مسالمت آمیز برگزار می شود و از طرف مقام های محلی، ممنوعیتی از حیث تعارض با امنیت یا نظم عمومی نسبت به آنها اعلام نشده است. چنین اجتماعهایی همواره مورد حمایت دیوان اروپایی بوده است. رأی دیوان در پرونده سمیت کارابولوت علیه ترکیه<sup>۱</sup> از این دسته است که وفق آن، عدم رعایت مقدمات قانونی از جمله اخذ مجوز، تجاوز به آزادی اجتماعها را توجیه نمی کند و هدف مشروع تظاهرات را به صرف عدم رعایت یک مقدمه شکلی، نمی توان از طریق برخوردهای نامتناسب جزایی سرکوب کرد<sup>۲</sup>. در این رأی نیز هدف مشروع به عنوان معیاری فراتر از ماده ۱۱ مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنین حسب دیدگاه دیوان در دعوی سلیمان چلبی و دیگران علیه ترکیه<sup>۳</sup> نیاز به اخذ مجوز، نباید مانعی بر سر راه آزادی اجتماعها باشد. مطابق این رأی، هر چند بر اساس صدر ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی «هیچ محدودیتی در تحقق این حقوق غیر از محدودیت های مقرر قانونی» نباید وجود داشته باشد، اما محدودیت های قانونی مزبور بایستی صرفاً بر اساس ذیل ماده ۱۱ باشد. در این مورد خاص، دیوان قائل به عدم تناسب برخورد نیروهای امنیتی با نحوه اعتراضها بود و محدودیت های مزبور را تنها شامل «اقدام های ضروری در جامعه ای دموکراتیک برای صیانت از امنیت ملی، دفاع از نظم عمومی، پیشگیری از وقوع جرم، صیانت از سلامت، اخلاق یا پاسداری از حقها و آزادی های دیگران» می دانست. لذا دیوان عدم اخذ مجوز از مقام های محلی را دلیلی برای عدم برگزاری اجتماعها نپنداشته و

1. Samüt Karabulut v. Turkey

2. Information Note on the Court's case-law, No.115 January2009, page 39, no. 16999/04

3. Süleyman Çelebi and Others v. Turkey

برخورد با مشارکت‌کنندگان در این اجتماع‌ها را نقض کنوانسیون به حساب می‌آورد.<sup>۱</sup> در این رأی نیز هم معیارهای مندرج در ماده ۱۱ همچون پیش‌بینی شده به موجب قانون و ضروری برای جامعه‌ای دموکراتیک و هم معیارهای فراتر از ماده ۱۱ همچون عدم تناسب با هدف مشروع جهت عدم پذیرش محدودیت به کار گرفته شده‌اند.

ب. راهپیمایی‌ها و تظاهراتی که به دلیل هشدارهای امنیتی<sup>۲</sup> و یا مغایرت آن با نظم عمومی<sup>۳</sup>، از طرف مقام‌های عمومی ممنوع اعلام شده است. در این موارد هرچند که برگزاری تظاهرات بدون اعلام و اخذ مجوز بوده است، لکن برخلاف دسته پیشین، صریحاً با ممنوعیت از سوی مقام‌های عمومی مواجه شده است. در پرونده پتیه علیه مجارستان<sup>۴</sup> خواهان متقاضی برگزاری تظاهرات مقابل پارلمان مجارستان بوده است؛ اما پلیس آن محل را به‌عنوان منطقه امنیتی معرفی کرده و اجازه برگزاری تجمع در آنجا را به سبب ملاحظات امنیت ملی نمی‌دهد. از دیدگاه دیوان، ممنوعیت در نظر گرفته شده برای اجتماع در آن محل، صرفاً برحسب دستور مقامات پلیس بوده و به سبب سابقه حوادث و درگیری‌ها در آن محل صورت گرفته است؛ لذا دیوان این برخورد را فاقد ضرورت تلقی و بر عدم تناسب نوع برخورد با هدف مشروع تأکید کرده و آن را ممنوعیت مستند به قانون نمی‌داند. از این‌رو موضوع را خارج از مصادیق بند ۲ ماده ۱۱ تشخیص و رأی بر محکومیت مجارستان می‌دهد.<sup>۵</sup> همچنین در پرونده اسپوآب و ام. جی. علیه آلمان<sup>۶</sup> دو نفر در زمان برگزاری نشست گروه هشت (G8) در آلمان، به جهت جلوگیری از ایجاد آشوب، توسط پلیس بازداشت می‌شوند. دیوان با این استدلال که نخست، اگرچه

1. Information Note on the Court's case-law, No. 196, May 2016, page 27&28, no. 37273/10

۲. همچون احتمال بمب‌گذاری در سطح معابر عمومی و یا تهدیدهای تروریستی.

۳. وجود دلایل کافی برای شروع یک شورش و یا تهدیدهایی نسبت به ایراد آسیب به اشخاص و اموال.

4. Patyi v. Hungary

5. Information Note on the Court's case-law, No. 148 January 2012, page 29 no. 35127/08

6. Schwabe and M.g v. Germany

پلیس انتظار داشته تظاهرات افراطی باعث ایجاد آشوب و خشونت شوند، اما صرف یک توقع نمی‌تواند موجب محرومیت این اشخاص از آزادی‌شان باشد؛ از این رو احتمال وجود افراطیون با قصد خشونت، محدودیت مشروعی برای آزادی اجتماع‌ها نیست.<sup>۱</sup> در این آراء نیز دیوان، معیار ضروری برای یک جامعه دموکراتیک (به‌عنوان معیاری مندرج در ماده ۱۱) و عدم تناسب نوع برخورد با هدف مشروع (به‌عنوان معیاری فراتر از ماده ۱۱) را مورد توجه قرار می‌دهد. نمونه دیگر پرونده موشق ساقاتلیان علیه ارمنستان<sup>۲</sup> است که در پی اعلام نتایج انتخابات پارلمان سال ۲۰۰۸ ده‌ها هزار نفر از مردم به مدت چند روز در میدانی در شهر ایروان تجمع کردند. در یکی از شب‌ها پلیس ضد شورش به تظاهرات‌کنندگان حمله و عده‌ای را بازداشت کرد. از دیدگاه دیوان نخست، این اقدام پلیس ارمنستان بدون دلیل کافی و قانع‌کننده صورت گرفته است؛ و دوم، آزادی اجتماع‌ها تنها آزادی‌های مسالمت‌آمیز را در برمی‌گیرد و در این پرونده نیز هیچ‌گونه رفتار خشونت‌آمیز و تحریک‌کننده‌ای که اقتضاء این‌گونه برخورد نامتناسب و خشنی را داشته باشد، دیده نشده است. لذا شیوه برخورد پلیس به‌هیچ‌عنوان ضرورتی برای حفظ کیان جامعه دموکراتیک نداشته است.<sup>۳</sup> در این پرونده تمرکز دیوان از یک سو بر وصف ذاتی آزادی اجتماع‌ها (مسالمت‌آمیز بودن) است و از سوی دیگر از معیاری مندرج در ماده ۱۱ (ضروری برای یک جامعه دموکراتیک) بهره جسته است.

در موارد فوق‌الذکر آنچه از استدلال‌ها و آراء دیوان در رابطه با بند ۲ ماده ۱۱ کنوانسیون برداشت می‌شود این است که نخست با استناد به این بند، دیوان با اعمال معیارهای مندرج در کنوانسیون و فراتر از کنوانسیون، امکان توسل دولت‌ها به بهانه‌ها و علل واهی را در مواردی که دلیلی موجه برای اعمال محدودیت‌ها وجود

1. European Court of Human Rights, 2011, CASE OF SCHWABE AND M.G. v. GERMANY, para 19 & 109 no. 8080/08 and 8577/08

2. Mushegh Saghatelyan v. Armenia

3. European Court of Human Rights, 2018, CASE OF MUSHEGH SAGHATELYAN v. ARMENIA, para 226 no. 23086/08, judgment 20.9.2018

ندارد، سد کرده و با آرای خود از حق آزادی اجتماع‌ها صیانت کرده است؛ دوم، در کنار حفظ ارزش‌های دموکراتیک جامعه، امکان توسل به این‌گونه محدودیت‌ها را نیز منوط به وجود علل موجه و «بسیار محتمل» دانسته تا جایی که صرف احتمال آشوب را مجوزی برای اعمال محدودیت قلمداد نکرده است.

## ۲-۲. نافرمانی مدنی و اخلال در نظم عمومی منجر به ارتکاب جرم

از جمله رویدادهای متداول در جریان برگزاری اجتماع‌ها، ارتکاب جرائم عمومی توسط مشارکت‌کنندگان در اجتماع‌ها و نافرمانی‌های مدنی است. از آنجا که یکی از ویژگی‌های آزادی اجتماع‌ها، مسالمت‌آمیز بودن آن است، مواردی که منجر به شورش، اغتشاش یا سایر موارد نقض قانون شود، در آراء دیوان مورد تأیید قرار نگرفته است. دلیل چنین رویکردی، اعتقاد به وجود ساختارهای دموکراتیک و راه‌حل‌های سیاسی در بدنه نظام حقوقی یک کشور است.<sup>۱</sup> جرائم ارتكابی در جریان اجتماع‌ها به دو دسته جرائم قابل پیشگیری توسط مقامات محلی و جرائمی که نتیجه طبیعی هر تظاهراتی است، تقسیم می‌شوند. تفکیک مزبور در آراء دیوان نیز مشهود است.

در مورد جرائم قابل پیشگیری توسط مقام‌های محلی و تناسب برخورد با مشارکت‌کنندگان در اجتماع‌ها، تصمیم مقام‌های محلی تعیین‌کننده است. در پرونده کودروویکیوز و دیگران علیه لیتوانی<sup>۲</sup>، عده‌ای از کشاورزان در لیتوانی با مجوز دولت اقدام به برگزاری تظاهراتی صلح‌آمیز کردند؛ لکن بعد از پایان اجتماع، متفرق شدن افراد باعث اخلال ترافیکی در مسیر اصلی شد و سه نفر به دلیل تحریک و شرکت در آشوب بازداشت شدند. دیوان اظهار داشت که نخست، محکومیت مزبور تناسبی با برپایی و شرکت در یک اجتماع قانونی دارای مجوز رسمی نداشته است و این افراد سوءقصدی

۱. تامس هابز در *لویاتان* یکی از اساسی‌ترین اهداف دولت‌های مدرن را حفظ نظم و جلوگیری از بروز آشوب‌ها بیان می‌کند. او با استفاده از مفاهیم الهیاتی و در توجیه دولت، آن را به لویاتان تشبیه می‌کند که همواره در سبب شکست دادن و نابودی بهیموث (نماد شورش مردمی) است. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به (هابز، ۱۳۹۴).

2. Kudrevičius and Others v. Lithuania

در ارتکاب این عمل نداشته‌اند، دوم، راه‌های دیگری نیز برای جلوگیری از مشکل وجود داشته است و این برخورد دولت باعث محدودیت و نقض آزادی اجتماعها شده است.<sup>۱</sup> همچنین هرچند مقابله با آشوب حسب قانون بوده، لکن عمل مشارکت‌کنندگان را نباید با فقدان سوء قصد جرم تلقی کرد. مضافاً این‌که در این موارد، سطحی از اختلال در زندگی عادی محتمل و متعارف است. وفق این رأی نیز دیوان مجموعه‌ای از معیارهای مندرج در ماده ۱۱ (پیش‌بینی‌شده در قانون) و فراتر از آن (عدم تناسب برخورد با هدف مشروع و متعارف بودن اخلال) را به کار گرفته است.

در پرونده ناوالنی و یاشین علیه روسیه<sup>۲</sup> دو نفر از رهبران اپوزیسیون در روسیه به دلیل عدم اطاعت از دستور پلیس در عدم استفاده از مارش در تظاهرات که فقط به مدت ۱۵ دقیقه نواخته شده بود، بازداشت و محکوم شدند. دیوان بیان کرد که دادگاه محلی روسیه به ضرورت بازداشت و محکومیت این افراد در یک حاکمیت دموکراتیک توجه نکرده و نظر به این‌که انگیزه مقام‌های محلی در دستگیری این دو نفر، شعارهای آن‌ها بر ضد حکومت بوده است، حکم به نقض کنوانسیون توسط روسیه داد.<sup>۳</sup> در این رأی نیز محکومیت مزبور به مثابه محدودیت در نظر گرفته شده برای آزادی اجتماعها توسط دولت روسیه، مطابق ضروریات صیانت از بنیادهای جامعه دموکراتیک (به‌عنوان معیاری مندرج در ماده ۱۱) نبوده است.

پرونده فرامکین علیه روسیه<sup>۴</sup> نمونه حائز اهمیتی است که تظاهراتی علیه سوءاستفاده و تزویر در انتخابات سال ۲۰۱۱ روسیه برگزار شد. پلیس ابتدا میدانی را برای تظاهرات کنندگان مشخص کرد. پس از برگزاری راهپیمایی و رسیدن به میدان مورد نظر، برخلاف تصور افراد، پارکی که در مجاورت آن قرار داشت و مشارکت‌کنندگان قصد

1. European Court of Human Rights, 2013, CASE OF NAVALNY AND YASHIN v. RUSSIA, para 33&97 no. 37553/05 Judgment 26.11.2013

2. Navalny and Yashin v. Russia

3. European Court of Human Rights, 2014, CASE OF NAVALNY AND YASHIN v. RUSSIA, para 48&53&54) no. 76204/11

4. Frumkin v. Russia

تجمع در آن را داشتند، توسط پلیس ضد شورش مسدود شده بود. با فشار جمعیت، دیوار پلیس شکسته و تظاهرات کنندگان وارد پارک شدند. در این هنگام تظاهرات کنندگان شروع به پرتاب اشیا به سمت پلیس و استفاده از کوکتل مولوتف علیه پلیس کردند. پلیس با بلندگو اعلام کرد تا پراکنده شوند، اما صدای پلیس به واسطه شلوغی به تظاهرات کنندگان نرسید و پلیس مجبور به متفرق کردن مردم شد. در این جریان تعدادی از جمله رهبران تظاهرات بازداشت شدند. دیوان استدلال کرد هر چند حق تعیین محل اعتراض‌ها به مردم داده نشده، اما پلیس محلی خود اقدام به انتشار نقشه‌هایی کرده که پارک مورد نظر نیز جزء منطقه تظاهرات بوده و با ممانعت پلیس اوضاع وخیم‌تر شده است. در نهایت انتقال این خبر، پاسخ مناسبی برای نگرانی‌های اعتراض کنندگان نبود و باعث شدت اعتراض شد. حسب رأی دیوان، اگرچه استفاده از کوکتل مولوتف خلاف نظم عمومی و امنیت اجتماعی است، اما نخست، آغاز آشوب و حمله معترضین به پلیس، به علت رفتار مقام‌های محلی بوده است؛ دوم، تظاهرات با اعلام و هماهنگی قبلی با نهادهای مربوطه بوده و خود آنان نیز در کنار رهبران تظاهرات، وظیفه آرام کردن جمعیت و اعلام اخطار به معترضان را داشته‌اند؛ و سوم، انجام تظاهرات با اهداف مشروع و برحسب قانون بوده است، لکن اقدام پلیس و دادگاه محلی روسیه هیچ‌گونه تناسبی در مقابله با اعتراض‌ها نداشته است. از این رو دیوان عمل پلیس محلی را ناقض آزادی اجتماع‌ها دانست.<sup>۱</sup> در این رأی نیز معیارهای پیش‌بینی شده به موجب قانون (به‌عنوان معیاری مندرج در ماده ۱۱)، هدف مشروع و تناسب برخورد با هدف مشروع (به‌عنوان معیارهایی فراتر از نص ماده ۱۱) مورد توجه دیوان در اتخاذ تصمیم بوده است.

در مورد جرائمی که نتیجه طبیعی و لازمه هر اجتماعی است، مانند اختلال در نظم عمومی و مسدود شدن خیابان و اختلال در سطح معابر که گاه از جانب مقامات و

1. Information Note on the Court's case-law, No. 192 January 2016, para 28&29 no. 74568/12

پلیس محلی قابل پیشگیری نیست، پرونده‌هایی در دیوان مطرح شده است. در پرونده یولماز ییلدیز و دیگران علیه ترکیه<sup>۱</sup> تعدادی از کارمندان اتحادیه سلامت و درمان کارگران ترکیه در اعتراض به واگذاری بیمارستان‌ها از جانب وزارت بهداشت به بخش خصوصی، تظاهرات کردند. پلیس ترکیه به علت غیرقانونی بودن تظاهرات به واسطه عدم اخذ مجوز و ایجاد اختلال در معابر از طریق اجتماع افراد، دستور داد تا افراد حاضر متفرق شوند؛ لکن پس از عدم توجه به دستورات پلیس، تعدادی از افراد بازداشت و به واسطه عدم اطاعت از قانون و اخلال در نظم عمومی توسط دادگاه ترکیه محکوم شدند. دیوان با این استدلال که نخست، هر تظاهراتی در مکان‌های عمومی به‌ناچار سطحی از اختلال را در روند عادی روزمره ایجاد می‌کند و دوم، به این علت که مقام‌های عمومی همواره بایستی درجه‌ای از مدارا را در برابر اجتماع‌ها داشته باشند و نباید آزادی اجتماع‌های افراد با تهدید به مجازات محدود شود، حکم به نقض کنوانسیون به واسطه عدم تناسب برخورد صورت گرفته در جهت صیانت از حق آزادی اجتماع‌ها صادر کرد.<sup>۲</sup> در این رأی متعارف بودن اخلال و لزوم مدارا با اجتماع‌کنندگان به‌عنوان معیارهایی فراتر از ماده ۱۱ به کار گرفته شد.

در پرونده آگنونکوف علیه روسیه<sup>۳</sup> دیوان مفهوم اختلال طبیعی در نظم و سطح متعارف اعتراضات را بیش از پیش گسترش می‌دهد. در این پرونده، راننده لوکوموتیو یک قطار مترو در روسیه در اعتراض به عدم افزایش حقوق شرکت، دست به اعتصاب زده و در تجمعی اعتراض‌آمیز شرکت می‌کند. مقام‌های محلی با این استدلال که مترو یک خدمت ضروری برای جامعه است و اعتصاب کارمندان آن به سبب نقش اساسی آن در اقتصاد و منافع افراد، موجب اختلال در کارها و ورود ضرر به منافع ملی می‌شود، حکم به اخراج راننده لوکوموتیو دادند. دیوان استدلال کرد نخست، اگرچه

1. Yılmaz Yıldız and Others v. Turkey

2. European Court of Human Rights, 2014, *CASE OF YILMAZ YILDIZ AND OTHERS v. TURKEY*, para 45&46 no. 4524/06

3. Ognevenko v. Russia

این گونه اعتراض‌ها به صورت غیرقابل اجتنابی تبعاتی برای تجارت سازمان‌ها دارد، لکن برگزاری این تجمع به سبب حمایت از منافع صنفی بوده و با اخراج خواهان به عنوان مجازات، تناسب نداشته است؛ دوم، هرچند استناد مقام‌های روسیه به ممنوعیت اعتصاب کارگران راه‌آهن به موجب قانون بوده است، لکن این شغل را نمی‌توان همچون کار اعضای نیروهای مسلح و پلیس از ضروریات جامعه دموکراتیک دانست و اعتصاب در آن را ممنوع اعلام کرد؛ سوم، ممنوعیت این گونه اعتصاب‌ها مستلزم وجود شواهد مستدل در ضررهای آن‌ها است و نمی‌توان اعتصاب را به واسطه ضررهای اقتصادی محتمل آن ممنوع کرد. همچنین سازمان بین‌المللی کار، پیامدهای اقتصادی منفی را دلیل کافی برای توجیه ممنوعیت کامل اعتصاب ندانسته است.<sup>۱</sup> در این رأی، دیوان صراحتاً تبعات و خسارات اقتصادی محتمل آزادی اجتماع‌ها برای سازمان‌های دولتی را محدودیتی مشروع برای آزادی اجتماع‌ها تلقی نمی‌کند و در اتخاذ این تصمیم از معیارهای پیش‌بینی شده به موجب قانون، ضروری برای یک جامعه دموکراتیک، تناسب برخورد با هدف مشروع و قطعیت ضرر بهره می‌برد که دو مورد نخست مندرج در کنوانسیون و دو مورد دوم فراتر از آن هستند.

در مجموع، دیوان در تعارض آزادی اجتماع‌ها با ارتکاب جرائم با اعمال معیارهای مزبور بر این باور است که اگر جرم ارتكابی به سبب ناتوانی دولت در مدیریت اجتماع‌ها و تظاهرات بوده و روش‌های مناسب‌تری برای حفظ نظم عمومی و امنیت ملی سواى برخورد با اجتماع‌کنندگان وجود داشته است، آزادی اجتماع‌ها نباید محدود شود و اگر به واسطه اجتماع، اختلال‌هایی در نظم عمومی صورت گیرد که لازمه هر اجتماعی است تا آنجا که از حد متعارف اختلال فراتر نرود، آزادی اجتماع‌ها به واسطه اختلال ایجاد شده محدودیت‌پذیر نیست.

1. INFORMATION NOTE 223 Case-law of the European Court of Human Rights, 2018 NOVEMBER, page 30 no. 44873/09



## ۲-۳. حقوق و آزادی‌های فردی دیگران

از جمله محدودیت‌های آزادی اجتماعها، حقوق و آزادی‌های فردی سایر شهروندان است؛ به این معنا که برگزاری راهپیمایی‌ها و اجتماعها نباید موجب تجاوز به حقوق سایرین شود. رویه دیوان حاوی نمونه‌های از رویارویی آزادی اجتماعها و حقوق و آزادی‌های سایرین است.

در پرونده توسکیا و دیگران علیه گرجستان<sup>۱</sup> تعدادی از استادان و دانشجویان دانشگاه در گرجستان در اعتراض به انتخاب شخصی، تظاهرات کرده و با ورود به دفتر وی، خواستار استعفای او شدند. سپس با مداخله مأموران پلیس مجبور به ترک محل شدند و از ادامه اجتماع آنان ممانعت به عمل آمد. دیوان با استناد به این مسئله که نخست، ورود این افراد به محل برخلاف شاخص مسالمت‌آمیز بودن بوده است؛ دوم، عمل پلیس متناسب و منطبق با قانون بوده است و سوم، این اجتماع باعث ترس کارمندان و دانشجویان و اخلال در عملکرد این نهاد آموزشی شده است، به جهت حمایت از حقوق افراد و حفظ نظم، برخورد پلیس و رای دادگاه گرجستان را منطبق با کنوانسیون تشخیص داد.<sup>۲</sup> در این رأی مشروعیت اعمال محدودیت دولت بر آزادی اجتماعها از حیث حقوق و آزادی‌های دیگران و حفظ نظم عمومی بوده و معیارهای مورد توجه دیوان پیش‌بینی شده به موجب قانون (به‌مثابه معیاری مندرج در کنوانسیون) و لزوم مسالمت‌آمیز بودن اجتماعها به‌منزله ویژگی ذاتی آزادی اجتماعها بوده است.

در پرونده باراک علیه فرانسه<sup>۳</sup> تعدادی کامیون‌دار در فرانسه در اعتراض به ترافیک های سنگین در اتوبان‌ها و جاده‌ها، بدون اعلام قبلی در یکی از اتوبان‌های فرانسه شروع به حرکت آهسته کردند. در نهایت یکی از کامیون‌داران با توقف خودروی خود باعث ایجاد ترافیک سنگین در جاده شد که پس از هشدارهای متناوب پلیس، نهایتاً

1. Tuskia and Others v. Georgia

2. INFORMATION NOTE 222, Case-law of the European Court of Human Rights, 2018 OCTOBER, page 29&30) no. 14237/07

3. Barraco v. France

دستگیر و محکوم به سه ماه حبس شد. دیوان استدلال کرد که نخست، محدودیت‌های آزادی اجتماع‌ها توسط کنوانسیون اعلام شده است؛ دوم، علی‌رغم وظیفه پلیس مبنی بر حفظ نظم و امنیت، راننده پس از اخطارهای متعدد، همچنان بر عمل خود پافشاری کرده است؛ سوم، تظاهرات از ساعت ۶ تا ۱۱ شب در جریان بوده و رانندگان اعتراض خود را به اندازه کافی بیان کرده و ادامه اعتراض باعث ایجاد ناراحتی عموم مردم از طریق اخلال در نظم عمومی شده است؛ چهارم، دستگیری شخص مزبور تجویز شده توسط قانون و در راستای هدف مشروع جلوگیری از بی‌نظمی و حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران بوده است. از این‌رو، دیوان حکم دادگاه فرانسه را صحیح تشخیص داده و محدودیت مشروع بر آزادی اجتماع‌ها تلقی می‌کند.<sup>۱</sup> دو معیار پیش‌بینی شده به‌موجب قانون (مندرج در ماده ۱۱) و غیرمتعارف بودن اخلال (فراتر از ماده ۱۱) در اتخاذ تصمیم دیوان در این رأی تأثیرگذار بوده‌اند. دو پرونده اخیر بیان‌گر آن است که از دیدگاه دیوان تجمع‌ها نمی‌توانند منجر به تحدید یا تجاوز به حقوق و آزادی‌های سایر شهروندان به صورت نامتعارف شوند.

در دعوای استیل و دیگران علیه انگلستان<sup>۲</sup> در اوت ۱۹۹۲، خانم استیل به همراه حدود شصت نفر دیگر علیه مسابقه تیراندازی به هم در یورک اشراین اعتراض کردند. اعتراض‌کنندگان تلاش کردند از مشارکت این افراد در مسابقه تیراندازی ممانعت کنند. برخی از این افراد با راه رفتن یا ایستادن در مسیر تیراندازی مانع اجرای مسابقه شده بودند. زمانی که پلیس فرا رسید، به اعتراض‌کنندگان در مورد عدم تداوم رفتارشان اخطار کرد. اعتراض‌کنندگان این اخطار را نادیده گرفته و پلیس سیزده نفر از جمله خانم استیل را بازداشت کرد.<sup>۳</sup> پس از محکومیت اعتراض‌کنندگان به بزه نقض صلح به موجب قانون نظم عمومی انگلستان در محاکم ملی این دولت، خانم استیل و دیگران

1. European Court of Human Rights, 2009, Information Note on the Court's case-law No. 117, para 2 no. 31684/05
2. Steel and Others V. The United Kingdom
3. European Court of Human Rights, Case of Steel and Others V. The United Kingdom, Application No. 67/1997/851/1058, Judgment, 23 September 1998, Para. 7.

شکایت خود را در دیوان ثبت کردند. دیوان اقدام دولت انگلستان را ناقض ماده ۱۱ کنوانسیون ندانست. به زعم دیوان اگرچه اقدام معترضین در راستای آزادی اجتماع‌ها و آزادی بیان ایشان بوده است، لکن این اقدام مداخله در حق آزادی بیان و آزادی اجتماع‌های شرکت‌کنندگان در تیراندازی بوده است.<sup>۱</sup> در این رأی دیوان، آزادی اجتماع‌های گروهی از افراد با حقوق و آزادی‌های فردی گروه دیگری از شهروندان تعارض داشته است. در ماده ۱۱ کنوانسیون به «حقوق و آزادی‌های دیگران» به‌عنوان یکی از اهداف مشروع برای محدود کردن حق بر اجتماع‌ها تصریح شده است. از این-رو، کاربرد آرای دیوان از جمله آرای مذکور، تبیین گستره مفهوم فوق و شناسایی مصادیق آن است.

#### ۲-۴. مدارا و رواداری دولت فرینده‌ای بر تفسیر مضیق محدودیت‌ها

دولت‌ها به سبب حفظ اقتدار و حاکمیت خود، معمولاً با اعتراض‌هایی که علیه مشروعیت حاکمیتشان باشد، به مقابله برمی‌خیزند. به این ترتیب، اگرچه آزادی اجتماع‌ها ذاتاً موضوعی حقوقی است، اما دولت‌ها در موارد بسیاری آن را با معیارهای سیاسی و بر اساس دوگانه دوست-دشمن ارزیابی کرده‌اند. لذا از جمله موارد نقض کنوانسیون توسط دولت‌ها، عدم مدارای مقام‌های محلی با اجتماع‌ها و برخوردهای قهرآمیز با این قبیل کنش‌های سیاسی است.

در پرونده ناولنی علیه روسیه<sup>۲</sup> یک وبلاگ‌نویس روسی به جرم عدم اطاعت از دستورات پلیس در متفرق شدن از اجتماع بازداشت می‌شود.<sup>۳</sup> دیوان در این پرونده اعمال محدودیت بر حق آزادی اجتماع‌ها را شامل هرگونه فشار و محدودیت بر تظاهرات کنندگان قبل و بعد از اجتماع‌ها به شمار می‌آورد و آن را نقض حق آزادی اجتماع‌ها برمی‌شمارد و با تصدیق رابطه میان این بازداشت و شرکت در اجتماع‌ها، آن

1. Ibid, Paras. 92&113

2. Navalnyy v. Russia

3. Information Note on the Court's case-law 223, November 2018, para 10 no. 29580/12

را نقض ماده ۱۱ می‌داند. دیوان اعمال محدودیت بر اجتماع‌ها را تنها در آن مواردی که هدف مشروعی موجود باشد و ضروری برای یک جامعه دموکراتیک باشد مجاز می‌داند. دیوان استدلال می‌کند که بازداشت این فعال سیاسی به خاطر عدم تحمل مقام‌های دولتی بوده است. این نمونه از صریح‌ترین آرائی است که دیوان در مقام تضمین آزادی اجتماع‌ها، بر لزوم تحمل و مدارای مقام‌های دولتی تأکید می‌ورزد. معیار تحمل و مدارای مقام‌های دولتی نسبت به آزادی اجتماع‌ها (به‌مثابه معیاری فراتر از نص ماده ۱۱) می‌تواند بازتاب دیگری از همان معیار «ضروری برای یک جامعه دموکراتیک» (مندرج در ماده ۱۱) باشد.

در پرونده ایسیکریک علیه ترکیه<sup>۱</sup>، دولت ترکیه عده‌ای را به سبب نشان دادن علامت پیروزی (حرف V انگلیسی با انگشتان اشاره و وسط) در راهپیمایی مراسم تشییع عبدالله اوجالان دستگیر کرد. دادگاه ترکیه این واقعه را تظاهراتی از جانب گروه تروریستی حزب کارگران کردستان (پی.ک.ک.)<sup>۲</sup> قلمداد و تظاهرات‌کنندگان را به‌عنوان اعضای آن گروه بازداشت و در نهایت محکوم به ۶ سال حبس کرد. دیوان، رأی دادگاه ترکیه را به دلیل عدم تمایز میان تظاهرات صلح‌آمیز و فعالیت غیرقانونی در یک گروه و محدود کردن بیش از حد آزادی اجتماع‌ها، ناموجه تشخیص داد.<sup>۳</sup> منطبق رأی دیوان در این پرونده آن است که محکوم کردن تظاهرات صلح‌آمیز افراد به بهانه عضویت ایشان در گروهی خاص، نشان از عدم مدارا با مخالفان (معیاری فراتر از نص ماده ۱۱) دارد.

در پرونده حسینی و دیگران علیه آذربایجان<sup>۴</sup> سه نفر از رهبران تظاهراتی در آذربایجان، دو روز قبل از راهپیمایی بازداشت می‌شوند. دیوان بر اساس گزارش‌های محلی و بین‌المللی، این عمل را حاکی از اعمال فشار برای جلوگیری از مشارکت مردم

1. Işıkırık v. Turkey

2. Partiya Karkeren Kurdistanê

3. INFORMATION NOTE 212, Case-law of the European Court of Human Rights, 2017 NOVEMBER, page 23 no. 41226/09

4. Huseynli and Others v. Azerbaijan

در تظاهرات و مغایر اعمال آزادی اجتماعها دانست<sup>۱</sup>. در این واقعه که دولت حتی پیش از برگزاری راهپیمایی، واکنش نشان می‌دهد، عدم مدارا و وضوح و شفافیت بیشتری دارد. در پرونده ناولنی و یاشین علیه روسیه<sup>۲</sup>، دیوان روسیه را به دلیل عدم توجه به خطرات بازداشت‌های غیرضروری به سبب شعارهای ضد حکومتی که صرفاً جنبه سیاسی داشته و مبتنی بر موازین حقوق کیفری نبوده، محکوم به نقض کنوانسیون کرد<sup>۳</sup>. در این پرونده، صرف شعارهای سیاسی، صرف‌نظر از محدودیت یا عدم محدودیت اجتماع موردنظر، قرینه‌ای بر عدم مدارای سیاسی تلقی و محکوم شده است. روی‌هم‌رفته، دیوان در مقام تضمین آزادی اجتماعها به‌مثابه حقی بشری، بر لزوم مدارای دولت‌ها در قبال برگزارکنندگان اجتماعها و تظاهرات تأکید کرده و از این رهگذر تا اندازه‌ای ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را در قالب صیانت از ضروریات یک جامعه دموکراتیک توسعه می‌دهد. همچنین تأکید دیوان بر مدارا نسبت به اجرای آزادی اجتماعها دلالت بر آن دارد که این مرجع قضایی، محدودیت‌های آزادی اجتماعها را به‌طور مضیق تفسیر می‌کند.

### فرجام سخن

پرسش اساسی مقاله حاضر آن بود که آزادی اجتماعها چه الزامها و معیارهای محدودیتی در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر دارد؟ فرضیه این مقاله در پاسخ به پرسش مزبور از این قرار بود که آزادی اجتماعها در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، از حیث معیارهای مشروع اعمال محدودیت توسعه یافته و رویه قضایی از معیارهای صریح مندرج در ماده ۱۱ کنوانسیون همچون «مقرر شده به موجب قانون» و «ضروری برای یک جامعه دموکراتیک» فراتر رفته و معیارهایی چون «دارا بودن هدف مشروع»، «متناسب بودن نوع محدودیت با هدف مشروع»، «لزوم مدارا و رواداری دولت

1. Information Note on the Court's case-law, No. 193, February 2016, page 34 no. 67360/11

2. Navalnyy and Yashin v. Russia

3. Information Note on the Court's case-law, No. 180 December 2014, page 22 no. 76204/11

با اجتماع‌ها» و «متعارف یا غیرمتعارف بودن اخلال» را جهت ارزیابی محدودیت‌ها به کار گرفته است.

این فرضیه از آن جهت قابل تأیید است که نخست، اصل کلی در بند ۲ ماده ۱۱ کنوانسیون عدم محدودیت بوده و محدودیت امری استثنایی است؛ دوم، با ابناء بر چنین اصلی، قدر متیقن ایجاب می‌کند که حوزه‌های محدودیت قیدشده در بند ۲ قابل توسعه نباشد؛ سوم، توسعه معیارهای ارزیابی محدودیت‌ها خلاف اصل کلی مزبور نیست، زیرا هر چه دیوان معیارهای بیشتری برای ارزیابی حوزه‌های محدودیت در یک مصداق خاص در اختیار داشته باشد، می‌تواند از گستره مصادیق مشروع محدودیت کاسته و اصل کلی را تقویت کند. مروری بر یافته‌های پژوهش حاضر - به‌قرار ذیل - می‌تواند این فرضیه را در تطابق با پرونده‌های بررسی شده، مورد تأیید قرار دهد:

نخست آن‌که رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، در احراز مشروعیت امکان اعمال محدودیت از جانب دولت‌ها بر آزادی اجتماع‌ها در مواجهه با نظم عمومی، میان اخلال‌های متعارف نظم عمومی و اخلال‌های غیرمتعارف منجر به ارتکاب جرم تفکیک قائل شده و صرفاً اخلال‌های غیرمتعارف را محدودیت‌پذیر دانسته است.

دوم آن‌که دیوان در محدودیت آزادی اجتماع‌ها به سبب امکان ارتکاب جرائم بر این باور است که اگر جرم ارتكابی به سبب ناتوانی دولت در مدیریت اجتماع‌ها و تظاهرات بوده، آزادی اجتماع‌ها نباید محدود شود و اگر به‌واسطه اجتماع، اخلال‌هایی در نظم عمومی صورت گیرد که لازمه هر اجتماعی است تا آنجا که از حد متعارف اختلال فراتر نرود، آزادی اجتماع‌ها بر اختلال ایجاد شده مرجح است.

سوم آن‌که حسب رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، آزادی اجتماع‌ها نمی‌تواند منجر به تحدید حقوق و آزادی‌های سایر شهروندان به‌صورت نامتعارف شود. رویه قضایی دیوان همان‌گونه که اخلال در نظم عمومی را در موارد متعارف به‌عنوان عامل محدودکننده آزادی اجتماع‌ها به رسمیت نمی‌شناسد، اخلال نامتعارف در حقوق و

آزادی‌های سایر شهروندان را نیز به بهانه آزادی اجتماعها هرگز بر نمی‌تابد. قضیه استیل و دیگران علیه انگلستان به خوبی این موضع را نمایان می‌سازد. چهارم آن‌که در رویه قضایی دیوان اروپایی، دولت‌ها باید با برگزارکنندگان اجتماعها مدارا کنند. این رویه دیوان در خصوص آزادی اجتماعها ناظر به مواردی است که نخست، اخلال غیرمتعارف در نظم عمومی که مستوجب ارتکاب جرم باشد، صورت نگیرد و دوم، حقوق و آزادی‌های فردی سایرین در معرض تهدید یا تحدید غیرمتعارف قرار نگیرد. با لحاظ این دو شرط، دولت‌های اروپایی حسب رویه قضایی دیوان، ملزم به مدارا با اجتماع‌کنندگان هستند.

### منابع

#### الف. فارسی

آشوری، داریوش (۱۳۸۷)، دانشنامه سیاسی، فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی، چاپ ۱۶، تهران: مروارید.

ابراهیمیان، حجت‌الله (۱۳۹۱)، «حقوق خاص اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی ایران با تأکید بر قانون اساسی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره نهم، شماره ۲۹، صص ۲۴۳-۲۶۶.

اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی، چاپ اول، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

اسلامی، رضا، کمالوند، محمد مهدی (۱۳۹۳)، «چالش‌های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۱، شماره ۵۰، صص ۲۲۲ - ۱۸۷.

الماسی، نجادعلی (۱۳۸۲)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، تهران: میزان.

دوفار ژان (۱۳۹۱)، آزادی‌های گروهی (آزادی تجمع، تظاهرات، انجمن، سندیکا)، ترجمه گرجی، علی‌اکبر، چاپ اول، تهران: مجد.

رنجی الماسی، زهره (۱۳۹۸)، اخلاق عمومی در حقوق کیفری، چاپ اول، تهران: مجد.  
 رهایی، سعید (۱۳۸۹)، آزادی دینی از منظر حقوق بین‌الملل: با نگاهی به رهیافت اسلامی، چاپ اول، قم: دانشگاه مفید.

روزبهان، محسن (۱۳۹۴)، حق انسان بر آزادی رفت‌وآمد، چاپ اول، تهران: میزان.  
 خلخالی، فرید (۱۳۸۳)، «نظم عمومی و آزادی تجمع و تشکل»، نشریه حقوق اساسی، دوره سوم، شماره ۳، صص ۵۶ - ۶۴.

طباطبایی، سید احمد (۱۳۸۲)، «دادگاه اروپایی حقوق بشر، ساختار و صلاحیت‌های جدید»، حقوق خصوصی، دوره اول، شماره ۵، صص ۱۰۵ - ۱۳۶.

طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۸)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

عالی پور، حسن (۱۳۸۰)، «مدیریت حقوقی اجتماعات اعتراض‌آمیز»، مطالعات راهبردی، دوره نهم، شماره ۳۶، صص ۳۴۹ - ۳۸۰.

عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.  
 علیزاده، عبدالرضا؛ صالحی ریحانه (۱۳۹۶)، «آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها در پرتو اصل ۲۷ قانون اساسی ایران»، مجله حقوق اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۵۲، صص ۱۲۷ - ۱۶۲.

قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۰)، حقوق بشر در جهان معاصر دفتر دوم، چاپ دوم، تهران: شهر دانش.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، مبانی حقوق عمومی، چاپ دوم، تهران: میزان.  
 کاظمی، سید علی‌اصغر (۱۳۷۶)، اخلاق و سیاست: اندیشه سیاسی در عرصه عمل، چاپ اول، تهران: قومس.

کلی، جان (۱۳۹۸)، تاریخ مختصر تنوری حقوقی در غرب، ترجمه محمد راسخ، چاپ اول، تهران: نی.



کورنر، اشتفان (۱۳۹۴)، فلسفه کانت، ترجمه عزت الله فولادوند، چاپ چهارم، تهران: خوارزمی.

گرجی، علی اکبر (۱۳۸۸)، مبانی حقوق عمومی، چاپ دوم، تهران: جنگل.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، اسلام و نیازهای زمان، چاپ هفدهم، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، فلسفه اخلاق، چاپ نهم، تهران: صدرا.

مک کردون، کریستوفر (۱۳۹۷)، کرامت انسانی و تفسیر قضایی حقوق بشر، ترجمه آرش توفیقی و مهسا نجفی، چاپ اول، تهران: خرسندی.

محمودی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، دانشنامه عقاید اسلامی (معرفت شناسی)، ترجمه مهدی مهریزی، جلد اول، چاپ سوم، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث.

محمودی، سید علی (۱۳۹۵)، فلسفه سیاسی کانت، چاپ سوم، تهران: نگاه معاصر.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۸)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چاپ اول، تهران: میزان.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۸)، حقوق اقتصادی و اجتماعی از تئوری تا عمل، در حقوق بشر در جهان معاصر، دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوقدانان و فقهای معاصر، چاپ اول، تهران: آیین احمد.

هاشمی، سید محمد؛ امید نوروزی (۱۳۹۳)، «حقوق و آزادی‌های گروهی در رویه کمیته حقوق بشر»، تحقیقات حقوقی آزاد، دوره هشتم، شماره ۲۵، صص ۱۱۱-۱۲۵.

#### ب. انگلیسی

Agencia Estatal Boletín Oficial del Estado (1978) **The Spanish Constitution**, Madrid, Catálogo de Publicaciones de la Administración General del Estado publicacionesoficiales.boe.es

Conde, Victor (2004) **A Handbook of International Human Rights Terminology**, London. University of Nebraska Press.

Federal Ministry of Justice and Consumer Protection and the Federal Office of Justice, (2020) **Germany's Constitution of 1949 with Amendments through 2012**, Berlin, Federal Ministry of Justice and Consumer Protection and the Federal Office of Justice

Della Mirandola, P. (2012) **Oration on The Dignity of Man: A New Translation and Commentary**, Cambridge University Press.

- Rohde, Stephen F. (2009) **Freedom of Assembly**, New York: Infobase Publishing.
- Arnheim, Michael, & Arnheim, Michael TW. (2004) **The Handbook of Human Rights Law: An Accessible Approach to the Issues and Principles**, London: Kogan Page Limited.
- Douzinas, Costas & Gearty, Conor (eds.). (2014) **The Meanings of Rights: The Philosophy and Social Theory of Human Rights**, Cambridge University Press.
- Sally, Wehmeier (2010) **Oxford Advanced Learner`s Dictionary**, New York: Oxford University Press.
- Garner, Bryan (1394) **Black Law Dictionary**, Tehran: Mizan.

### **Judgments of the European Court of Human Rights**

- European Court of Human Rights, CASE OF HASANOV AND OTHERS v. AZERBAIJAN (Applications nos. 39919/07 and 14 others – see appended list)
- European Court of Human Rights, Chernega and Others/et autres – Ukraine, 74768/10, Judgment/Arrêt 18.6.2019 [Section IV]
- European Court of Human Rights, Zülküf Murat Kahraman – Turkey/Turquie, 65808/10, Judgment/Arrêt 16.7.2019 [Section II]
- European Court of Human Rights, Kudrevičius and Others v. Lithuania - 37553/05 Judgment 26.11.2013 [Section II]
- European Court of Human Rights, Information Note on the Court's case-law, No. 180 December 2014 Navalnyy and Yashin v. Russia - 76204/11 Judgment 4.12.2014 [Section I]
- European Court of Human Rights, Bukta and Others v. Hungary - 25691/04 Judgment 17.7.2007 [Section II]
- European Court of Human Rights, Gülcü v. Turkey - 17526/10 Judgment 19.1.2016 [Section II]
- European Court of Human Rights, Mushegh Saghatelian v. Armenia, 23086/08, judgment 20.9.2018 [Section I]
- European Court of Human Rights, Mushegh Saghatelian v. Armenia, 23086/08, judgment 20.9.2018 [Section I]
- European Court of Human Rights, Ognevenko – Russia/Russie, 44873/09, judgment/ arrêt 20.11.2018 [Section III]
- European Court of Human Rights, CASE OF HASANOV AND OTHERS v. AZERBAIJAN (Applications nos. 39919/07 and 14 others)
- European Court of Human Rights, Case of Oya Ataman V. Turkey, Application No. 74552/01, Judgment, 5 December 2006.

- European Court of Human Rights, CASE OF YILMAZ YILDIZ AND OTHERS v. TURKEY (Application no. 4524/06)
- European Court of Human Rights, CASE OF SCHWABE AND M.G. v. GERMANY Applications nos. 8080/08 and 8577/08
- European Court of Human Rights, Case of Steel and Others V. The United Kingdom, Application No. 67/1997/851/1058, Judgment, 23 September 1998
- Information Note on the Court's case-law 223, November 2018, Navalnyy v. Russia [GC], nos. 29580/12 and 4 others, 15 November 2018
- INFORMATION NOTE 212, Case-law of the European Court of Human Rights, 2017 NOVEMBER, Işıkkırık v. Turkey - 41226/09 Judgment 14.11.2017 [Section II]
- Information Note on the Court's case-law No. 117 Barraco v. France - 31684/05 Judgment 5.3.2009 [Section V]
- Information Note on the Court's case-law, No.115 January 2009, Samit Karabulut v. Turkey, no. 16999/04, § 35, 27 January 2009, with further references)
- Information Note on the Court's case-law, No. 192 January 2016, Frumkin v. Russia - 74568/12 Judgment 5.1.2016 [Section III]
- Information Note on the Court's case-law, No. 193 February 2016, Huseynli and Others v. Azerbaijan - 67360/11, 67964/11 and 69379/11 Judgment 11.2.2016 [Section V]
- INFORMATION NOTE 222, Case-law of the European Court of Human Rights, 2018 OCTOBER, Tuskia and Others/et autres – Georgia/Géorgie, 14237/07, judgment/arrêt 11.10.2018 [Section V]
- Information Note on the Court's case-law, No. 148 January 2012, CASE OF PATYI v. HUNGARY (Application no. 35127/08).

